

گفتگو با دکتر روح الله مجتهدزاده دکترای معماری؛

جستجوی هویت شهری اهواز

* مصاحبه گر: سارا حسینی

روح الله مجتهدزاده دارای دکترای معماری از دانشگاه هنر اصفهان است. ایشان متولد اهواز و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهوازند که سابقه دو دوره مدیریت گروه معماری در دانشکده عمران و معماری این دانشگاه را در کارنامه دارند. مقالات و تألیفات متعددی دارند کتاب «هویت شهری» ایشان تنها کتابی است که به معماری اهواز پرداخته و اخیراً کتاب دیگری از آقای مجتهدزاده با نام «مناسبات معماری و علوم در ایران دوران اسلامی» مورد تحسین اساتید معماری کشور قرار گرفته است. با توجه به مطالعاتی که در خصوص معماری شهر اهواز داشتند و همچنین پروژه‌ی ضوابط اختصاصی بافت تاریخی اهواز که به سرپرستی ایشان در جریان است، سبب شد تا گفتگویی با آقای دکتر مجتهدزاده درباره تاریخ و معماری شهر اهواز داشته باشیم.

***معماری شهر اهواز در حال حاضر مربوط به چه دوره‌ای تا چه دوره‌ای است؟**

– اهواز کنونی شهری صد و سی ساله است و به استثنای محله عامری قدمت هیچ نقطه و بنایی از شهر از نیمه دوم عصر قاجار فراتر نمی‌رود. شاید با چنین تاریخی، معماری شهر اهواز در وهله اول چندان قابل توجه به نظر نرسد، اما اهواز، در همین بازه زمانی کوتاه، از روستایی کوچک در حاشیه کارون به کلان‌شهری بزرگ بدل شد و همین کفایت که بخوایم تاریخ تحول آن را با دقت بیشتر مورد تأمل قرار دهیم، معماری اهواز، نه تنها برای عامه مردم که برای معماران و مورخان معماری نیز، به‌واقع نادیده و ناشناخته است. رویداد اخیری که درباره بازارچه مرکز زنان رخ داد از نظر نشان دادن عمق میزان ناشناختگی معماری اهواز بسیار نمادین است. می‌دانید که اخیراً به همت یکی از فعالان و علاقه‌مندان معماری و میراث فرهنگی اهواز کاشف به عمل آمد که معمار بنای بازارچه مرکز زنان، در حاشیه پارکی متروک که خود از قدیمی‌ترین پارک‌های شهر اهواز است، داریوش بوربور معمار برجسته معاصر است؛ اینکه بعد از سال‌ها از وجود بنایی از این معمار صاحب‌نام معاصر در اهواز آگاه شدیم به اندازه کافی جالب بود اما موضوع زمانی جالب‌تر شد که خود معمار نیز در گفتگویی اذعان کرد که از وجود چنین بنایی، و درواقع از اجرای طرح خود، خبر نداشته است! این ماجرا عمق مهجوریت معماری اهواز را نشان می‌دهد. حال آنکه اهواز در دوره‌های مختلف از زمان تأسیس شهر، از نیمه قاجار تا اوایل پهلوی، و توسعه‌های اولیه و ثانویه آن در دوره‌های پهلوی اول و دوم سرشار از تجارب معمارانه غنی و منحصر به فرد است.

***معماری غالب و تاریخی اهواز چه ویژگی‌هایی دارد؟**

– معماری غالب اهواز را می‌توان به دو پاره مشخص تقسیم کرد. یکی معماری عصر تأسیس شهر، که از اواسط قاجار و به صورت خاص از تأسیس بندرناصری در سال ۱۳۰۶ قمری آغاز و تا اواسط پهلوی اول ادامه دارد؛ و دیگری معماری عصر توسعه شهر که از اواخر قاجار-اوایل پهلوی آغاز و تا اواخر پهلوی دوم ادامه دارد. هرچند این دو پاره از نظر زمانی یک بازه همپوشانی دارند اما از منظر فضایی و کیفیت‌های معماری تمایزات روشنی دارند که تقسیم آنها را به دو گونه متفاوت معماری موجه می‌سازد. بناهای عصر تأسیس عموماً بناهایی با معماری سنتی منطقه جنوب غرب ایرانند که در چینش فضاها، قاب‌بندی نما و حتی تزیینات، از نوعی سادگی عملگراییانه پیروی می‌کنند. تدابیر به کار رفته در معماری عصر تأسیس به



وضوح پاسخی به نیازهای عملکردی بناهاست که همزمان نوعی سادگی باوقار را نیز به این ساختمان‌ها ارزانی داشته است. معماری خانه‌های اهواز در دوره تأسیس، هرچند از فضای پیچیده و تزیینات شکوهمند خانه‌های شوشتر و دزفول و سایر نمونه‌های همزمان خود بی‌بهره است؛ اما در عین حال از نوعی صمیمیت و زیبایی خودمانی برخوردار است که بناهای آن را تا به امروز نیز درخور توجه ساخته است.

چنین حس و حالی، بیش از هر چیز مرهون این واقعیت است که معماری این دوره در عین آنکه اولویت را به سادگی می‌دهد از هرگونه پیش‌پاافتادگی و بی‌توجهی به ارزش‌های فضایی و زیباشناسی پرهیز می‌کند. در مقابل معماری دوره توسعه شهر، عمدتاً از تحولات معماری و شهرسازی دوران معاصر متأثر است. این بناها، چه توسط نهادهای دولتی و شبه‌دولتی چون نفت و راه‌آهن و ارتش، ساخته شده باشند و چه توسط مردم عادی عمدتاً دارای نقشه و اصطلاحاً مهندسی سازند و برخی از مشهورترین معماران معاصر ایران در طراحی و ساخت آنها دخیل بوده‌اند. در این بناها می‌توان انواعی از سبک‌های مختلف معماری معاصر ایران، از معماری صنعتی عصر پهلوی اول تا معماری منطقه گرای اواخر پهلوی دوم را شناسایی کرد. این بناها هم‌ارزش نیستند، برخی چون عمارت سه‌گوش به‌واقع از نفیس‌ترین نمونه‌های معماری سبک ملی معاصر خود پیشی می‌گیرند و برخی چون ساختمان اداره دارایی استان، احتمالاً از آثار پل آبکار معمار مشهور ارمنی، با نمونه‌های متوسط معماری پهلوی اول قابل مقایسه‌اند؛ اما همگی در یک ویژگی مشترکند و آن انرژی نوسازی و توسعه‌ای است که تا به امروز هم از این بناها قابل دریافت است.

***نام اهواز با مدرنیته گره خورده است، بسیاری تصویری از بافت تاریخی اهواز ندارند و معتقدند که این شهر فاقد بافت تاریخی است. لطفاً در این مورد توضیح دهید.**

– این خطا از تعریفی از تاریخ و بافت تاریخی حاصل می‌شود که من آن را «خطای پیشگامان» می‌نامم. می‌دانیم که مقوله توجه به بافت تاریخی در ایران



قدمت چندانی ندارد و از اوایل دوره پهلوی آغاز می‌شود. اولین فهرست‌های آثار ملی و ضوابط نگهداری آثار تاریخی ما توسط باستان‌شناسان و شرق‌شناسانی چون هرتسفلد و گدار تدوین شد. این افراد در عین آنکه به سبب توجه به این مقوله و شأن پیشگامانه‌شان حق بزرگی به گردن ما دارند، منشأ خطای بزرگی نیز شدند که همان نادیده گرفتن تاریخ بلافصل، و به طور خاص معماری و شهرسازی دوران قاجار، بود.

این سنت سیئه پس از ایشان نیز ادامه یافت و دامان معماری و شهرسازی دوره پهلوی، به‌ویژه پهلوی اول، را نیز گرفت و این دو دوره مهم و تأثیرگذار تاریخ معماری ایران تا مدتهای طولانی از شمول مطالعات و بالتبع توجهات تاریخ معماری برکنار ماند. در چنین شرایطی طبیعی بود که سرنوشت شهری چون اهواز، که تقریباً تماماً در دوران قاجار و پهلوی، بالیده و پا گرفته بود چه می‌شد. این نقیصه البته در سال‌های میانی دهه هفتاد خورشیدی و پس از آن به همت بزرگانی چون زنده‌یاد دکتر آیت‌الله زاده شیرازی تعدیل یافت و مطالعه بر معماری و شهرسازی قاجار و پهلوی تا حد زیادی رسمیت یافت؛ مثلاً خود بنده به تشویق آن مرد بزرگ مطالعه بر اهواز را آغاز کردم و می‌دانم کسان دیگری نیز با تشویق‌های ایشان به مطالعه بر معماری اواخر قاجار و اوایل پهلوی در شهرهای گوناگون ایران همت گماردند اما باز هم سالیانی طول کشید تا نتایج این مطالعات وارد ادبیات رسمی حوزه میراث فرهنگی و مدیریت شهری ما شود و همین هم جا انداختن مسأله وجود بافت تاریخی در شهری چون اهواز را مشکل ساخت. هرچند در سالیان اخیر این مشکل تا حد زیادی کمتر شده و تأسیس اداره کل میراث فرهنگی شهرستان اهواز نوید پذیرش و جالفاتادن رسمی این مقوله را می‌دهد.

در پرسش شما نکته دیگری هم هست که باید به آن اشاره کنم و آن مقوله مدرنیته است. امروزه مدرنیته خود به یک سنت تاریخی تبدیل شده که تاریخ و مظاهر آن نیاز به مطالعه و حفاظت دارد. مارشال برمن در کتاب مشهور خود تجربه مدرنیته این مقوله را به خوبی شکافته و تشریح می‌کند.

برمن در این بررسی، که به نظرم هنوز هم یکی از بهترین و جاندارترین تکنوگاری‌ها درباب مدرنیته است، به خوبی این مقوله را شرح می‌دهد که چگونه مدرنیته طی بسط تاریخی خود، تجارب غنی و طیف متنوعی از سنت‌های خاص خود را پدید آورده است. سنت‌هایی که به تعبیر برمن مردان و زنانی از سراسر جهان در شکل دادن به آن شریک بودند و با تأمل بر آنها می‌توانیم پیوندهای خود با مردمان سراسر جهان را حس کنیم. مردمانی که سرگرم مبارزه با همان مشکلاتی بودند که ما با آنها دست به گریبانیم.

برمن در انتهای مقدمه طولانی خود در این کتاب می‌نویسد: «جذب مدرنیته‌های دیروز می‌تواند همزمان نوعی نقد مدرنیته‌های امروز و نوعی تجلی ایمان به مدرنیته‌ها – مردان و زنان مدرن – فردا و پس‌فردا باشد».

از این منظر حفاظت از میراث معماری و شهرسازی مدرن، که اهواز و بسیاری از شهرهای خوزستان مظاهر

مهم آن در کشور ما هستند، اهمیت فوق‌العاده و از نظری اهمیتی جهانی می‌یابد. از این منظر گره خوردن نام اهواز با مدرنیته نه تنها چیزی از اهمیت حفاظت بافت تاریخی و مجموعه‌های مدرن آن نمی‌کاهد، بلکه با توجه به کمبود چنین بافت‌هایی در ایران اهمیت آن را دوچندان می‌سازد.

***در سال‌های اخیر بحث گردشگری بسیار مورد توجه قرار گرفته است. به نظر شما اهواز چه قابلیت‌هایی برای این امر دارد؟**

– اهواز از دو منظر قابلیت فراوانی برای رونق گردشگری دارد. یکی اینکه اهواز به عنوان مرکز استان خوزستان در گرانبگاه و مرکز ثقل چندین و چند سایت معتبر گردشگری با اعتبار جهانی قرار گرفته است. از یک سو سه پایگاه مهم میراث جهانی در شمال اهواز و با فواصل ۶۰ تا ۱۰۰ کیلومتری از آن قرار گرفته و از سوی دیگر در جنوب شهر، تقریباً با همین فاصله یکی از زیباترین مناظر میراث طبیعی و سایت‌های میراث صنعتی، یعنی تالاب شادگان و شهر آبادان، قرار دارد. به این ترتیب اهواز می‌تواند یک مرکز اقامتی مناسب برای گردشگرانی باشد که بخواهند همزمان هم از مناظر و میراث صنعتی جنوب و هم سایت‌های میراث تاریخی شمال استان بهره ببرند. از سوی دیگر اهواز خود نیز سرشار از تجارب غنی گردشگری است. بافت تاریخی اهواز و بناهای منحصر به فرد آن به واقع ظرفیتی بزرگ برای ایجاد یک کانون گردشگری فعال است. علاوه بر این بافت، شهرک‌ها و مجموعه‌های اوائل مدرن در اهواز، چون منازل راه‌آهن، منازل بانک ملی، مجموعه‌های شرکت نفت در نیوسایت، کارون و کوت عبدالله و آثار بسیاری دیگر از این دست میراث مهمی است که شاید هریک از آنها به تنهایی برای ایجاد جاذبه‌های گردشگری در یک شهر کفایت کند. حال به اینها رود کارون و مناظر و جلوه‌های بدیعی را که در شهر اهواز – اعم از پل‌های مدرن تا مراسمات آیینی و زندگی‌های روستایی حاشیه شهر – ایجاد می‌کند، نیز اضافه کنید، انگاه خواهید دید که اهواز تا چه حد غنی و سرشار از قابلیت‌های گردشگری است. هرچند این قابلیت‌ها، متأسفانه، به جهت ضعف مدیریت – اعم از مدیریت شهری و مدیریت کلان کشوری در مقوله گردشگری – معطل مانده است.

*** از لحاظ فرهنگی اهواز رنگین‌کمانی از اقوام را دارد. این تنوع هم‌زیستی چگونه اتفاق افتاد و آیا ریشه در تاریخ دارد؟**

– بله، تنوع قومی و حتی آیینی در اهواز ریشه‌ای کاملاً تاریخی دارد که در کتاب در جستجوی هویت شهری اهواز نیز سعی کردیم تا حد امکان شواهد آن را عرضه کنیم و اساساً از همین رو این تنوع را یکی از شاخص‌های هویت شهری اهواز برشمردیم. اینکه این تنوع چگونه اتفاق افتاده، در هر دوره متفاوت است اما اصل موضوع، از نظر بنده، به ماهیت تجاری شهر بازمی‌گردد. از دیرترین اشارات تاریخی موجود در باب اهواز، که تا آنجا که من می‌دانم آثار مورخان رومی و سلوکی است، اهواز به عنوان شهری پررونق و پرجمعیت که محل تجارت و بارانداز کالاهای وارد شده از دریای پارس است یاد شده؛ می‌دانیم از همین رو در دوران پیش از اسلام این شهر هوجستان واجار (بازار خوزستان) نامیده شده و همین نام را عرب‌ها به سوق الاهواز ترجمه کردند.

این ماهیت تجاری در طول تاریخ مردمان زیادی را به امید یافتن شغل یا راه انداختن کسب و کاری به این ناحیه کشانده و همین هم زمینه امتزاج و شکل‌گیری آن رنگین‌کمان قومی مورد اشاره شما را فراهم آورده است. آخرین مورد از این تجربه را در شکل‌گیری اهواز نوین شاهدیم که تاریخ آن، با اسناد فراوان، ثبت شده و نشان می‌دهد چگونه با ایجاد بندر ناصری مردمانی از نقاط مختلف ایران و جهان به این ناحیه روی آوردند و در ساختن اهواز امروز همدستان شدند.

